

الگوهای مدیریت تنوعات فرهنگی و مذهبی و رابطه آن با شورش و انسجام^۱

(صفحات ۶۳ تا ۹۲)

حسن غنیمتی^۲

پذیرش: ۹۵/۱۲/۲

دریافت: ۹۵/۹/۲۲

چکیده

یکی از مسایل مهم جوامع چند قومیتی و چند فرهنگی، تضاد و تنش‌های ناشی از وجود عناصر متفاوت فرهنگی در این جوامع است و سیاست‌گذاران به منظور ایجاد و حفظ انسجام و نظم استراتژی‌های متفاوتی را به منظور مدیریت تنوعات فرهنگی و قومی اتخاذ می‌کنند. ادبیات نظری مدل‌های مختلفی از دخالت کامل تا عدم دخالت کامل دولت‌ها در مدیریت تنوعات را پیشنهاد می‌کنند. مدعای این مقاله آن است که بنظر می‌رسد جوامعی که با میزان کمتری از دخالت دولت‌ها در تنظیمات تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی و قومی مواجه هستند، میزان کمتری از تنش‌های قومی و فرهنگی و

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان بررسی انسجام اجتماعی با تأکید بر ایران (مورد پژوهی چندگانه تاریخی) با راهنمایی مسعود چلبی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی است.

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی (بررسی مسائل اجتماعی ایران)، دانشگاه شهید بهشتی، H-ghanimati@sbu.ac.ir

مذهبی را دارا بوده و از سطح بالاتری از انسجام برخوردارند. به منظور آزمون این مدعا یک مطالعه تطبیقی با استفاده از داده‌های ثانویه انجام شده است. برای این منظور از داده‌های Indices of Social development و Minorities at Risk و International Religious Freedom استفاده شده است. دوره زمانی داده‌های این مطالعه از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ و شامل ۱۹۹ کشور می‌شود. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد: جوامعی که از میزان تکثرگرایی بالایی در مدیریت تنوعات فرهنگی و قومی برخوردارند، میزان بالایی از انسجام را دارا می‌باشند و جوامعی با میزان بالایی از محدودیت‌های فرهنگی و قومی با میزان بالایی از شورش مواجه هستند. بنابراین استراتژی پذیرش تنوعات فرهنگی و قومی مناسب‌تر از استراتژی ایجاد محدودیت برای جوامع متکثر فرهنگی است، در عین حال (میزان بهینه تکثرگرایی فرهنگی) به منظور رسیدن به انسجام در کشورهای مختلف برحسب تقسیم‌بندی جغرافیایی متفاوت است و جوامع به منظور رسیدن به حداکثر میزان انسجام بایستی از میزان متفاوتی از تکثرگرایی بهره‌مند باشند.

واژگان کلیدی: مدیریت تنوعات فرهنگی و مذهبی، تکثرگرایی، محدودیت فرهنگی و مذهبی، شورش، انسجام.

مقدمه

واقعیت آن است که در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان، قلمرو سیاسی توسط بیش از یک گروه فرهنگی، قومی و مذهبی اشغال شده است که واجد ویژگی ملت بوده و یا دست کم خود بر این باورند که یک ملت را تشکیل می‌دهند و لذا شایسته است که از حق تعیین سرنوشت سیاسی و فرهنگی و اعمال حاکمیت سیاسی و حفظ نمادهای فرهنگی توسط خود برخوردار باشند. در بین انواع گروه‌بندی‌های فرهنگی، گروه قومی بیشترین قرابت مفهومی و مصداقی را با اصطلاح ملت به عنوان بنیان فرهنگی دولت مدرن دارد. بدین معنی که وحدت و یگانگی فرهنگی که از هر دو اصطلاح به ذهن متبادر می‌شود بیش از همه به تبار، فرهنگ و تاریخ مشترک مبتنی است. (Smith, 1996: 447، نقل از یزدانی نسب، ۱۳۸۹)

تطبیق تعداد کشورهای جهان و تعداد گروه‌های قومی و فرهنگی ساکن در جهان بیانگر آن است که جز در موارد معدودی، اکثریت کشورها از بیش از یک گروه قومی و فرهنگی شکل یافته و به تبع آن با اثرات تنوع فرهنگی و نمادی ناشی از این تعدد گروه‌های قومی و فرهنگی در جامعه خود مواجه‌اند. جدول ۱ نشان‌دهنده کثرت تنوع قومی در تمام مناطق جهان است.

جدول ۱: ترکیب قومی کشورها بر حسب منطقه

کشورها	گروه‌های قومی		میانگین تعداد گروه‌های قومی در هر کشور	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جهان	۱۶۰	۱۰۰	۸۲۲	۱۰۰
غرب	۲۱	۰/۱۳	۶۸	۰/۸
شمال آفریقا و خاور میانه	۱۹	۰/۱۲	۷۰	۰/۹
آمریکای لاتین و کارائیب	۲۳	۰/۱۴	۸۴	۰/۱
آسیا	۲۳	۰/۱۴	۱۰۸	۰/۱۳
اروپای شرقی و کشورهای شوروی سابق	۳۱	۰/۱۹	۱۴۱	۰/۱۷
جنوب صحرای آفریقا	۴۳	۰/۲۷	۳۵۱	۰/۴۳

Fearon, 2003: 204

بنابراین می‌توان گفت که اصل حاکم بر جهان و جوامع، ناهمگونی قومی، نژادی، فرهنگی و مذهبی است. این ناهمگونی شرایط بسیار مساعدی را برای ایجاد تنش و تضاد و بی‌نظمی در صورت وجود سایر شرایط در جوامع مهیا می‌سازد.

در صورت مهیا بودن برخی از شرایط نظیر سیاسی شدن امر قومی و توزیع منابع برحسب وضعیت قومی (Fearon, 2003:2) و یا تبعیض و محدودیت بواسطه ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی، ناهمگونی قومی، فرهنگی و مذهبی، زمینه‌ساز بسیج و خشونت و در نهایت تضادهای قومیتی و فرهنگی است. تضاد قومی و فرهنگی رایج‌ترین شکل تضاد سیاسی و خشونت‌بارترین نوع آن به شمار می‌رود (Tilly, 2003:1).

غالب اندیشمندان در اینکه تضادهای قومی به آرامی و با پایان جنگ دوم جهانی رو به گسترش نهاده و در دو دهه پایانی قرن بیستم و با فروپاشی بلوک شرق شدت بیشتری گرفته‌اند، هم‌داستان هستند (Gurr, 1993, Fearon & Laitin, 2003). شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد خصومت‌های قدیمی مبتنی بر هویت‌های قومی، طبقه‌ای و منزلی در درون و بین جوامع از نو ظاهر و برجسته شده است و این موضوع و دیگر مرزبندی‌های بین‌گروهی فشار مضاعفی بر انسجام جوامع وارد و مدیریت آنها را با سختی مواجه نموده است.

تد رابرت گار (۱۹۹۳) در بررسی جامع خود در باب گروه‌های قومی جهان، دریافت که بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۹ اعتراض‌های غیر خشونت‌بار گروه‌های قومی ۲۳۰ درصد، اعتراضات خشونت‌بار ۴۲۰ درصد و شورش گروه‌های قومی ۳۶۰ درصد رشد داشته است.

جامعه ایران نیز به واسطه تنوع قومیتی و عناصر مشابه دیگر تأثیرگذار بر انسجام، نظیر چند آیینی، چند زبانی و چند فرهنگی بطور مداوم سرچشمه بروز شورش‌ها و درگیری‌هایی بوده است که گاهاً منجر به از بین رفتن انسجام اجتماعی و یکپارچگی آن می‌گردیده و با ظهور شرایط دیگری، بار دیگر به‌عنوان یک جامعه منسجم و یکپارچه سر بر می‌آورده است. از شواهد مرتبط با این موضوع می‌توان به شورش‌ها و اعتراضات صورت گرفته در طی سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۲۵ توسط اسماعیل آقا سیمتقو در

کردستان، شیخ محمد خیابانی در آذربایجان، دوست محمد خان در بلوچستان و موارد دیگر و در سال‌های اخیر به شورش‌ها و اعتراضات گروه‌های مختلف در کردستان، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی، کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن در ترکمن صحرا و گنبد کاووس، طیف نیروهای ناهمساز در بلوچستان نظیر جندالله و جیش العدل تضاد بین سیستمی‌ها و بلوچستانی‌ها، نیروهای واگرا در خوزستان، سلفی‌گری و گرایش به وهابیت در استان‌های جنوبی، تشدید تقابل سنی و شیعه در کشور و درگیری قومیتی بخاطر تفکیک مناطق اداری اشاره داشت.

بر مبنای همین اهمیت تنوع قومی و فرهنگی در سطح جوامع و اثرات آن بر روی سایر مسایل، مطالعات متعددی به بررسی رابطه بین تنوع قومیتی با سایر متغیرهای مهم نظیر رشد اقتصادی، سطح دموکراسی، جنگ‌های داخلی، تجزیه جوامع و غیره پرداخته‌اند (Easterly and Levine, 1997) و (Alesina et al, 1999). آیا کشورهای با ترکیب متعدد قومیتی بیشتر محتمل است که دچار جنگ‌های داخلی شوند یا کمتر؟ یا بیشتر محتمل است که چنین کشورهایی تغییر بسوی دموکراسی را تجربه نمایند. چه عواملی گروه‌های قومی را به سوی شورش یا رفتارهای غیر خشونت‌آمیز سوق می‌دهد (Fearon, 2003, 10).

بنابراین شناخت اصول و مدل‌هایی که می‌توانند زمینه مدیریت تنوعات قومی، فرهنگی و مذهبی را در یک جامعه فراهم نمایند، یکی از ضروری‌ترین و اصلی‌ترین مسایل در مدیریت واحدهای کلان اجتماعی به‌ویژه واحدهایی با تنوع قومی و فرهنگی بالا در زمان کنونی است. با این مقدمه می‌توان سؤال مقاله حاضر را بدین شکل مطرح کرد که:

آیا انتخاب استراتژی‌های متفاوت مدیریت تنوعات قومی، مذهبی و فرهنگی تأثیری بر روی انسجام اجتماعی و شورش در جوامع دارد؟

۱. مبانی نظری

مطالعات جامعه‌شناسان، اندیشمندان علوم سیاسی و سایر متفکرین نظیر (Gurr, 1993) و Marger, Hartmann & Gerteis, 2005 و Wimmer, 2008 و Jepperson, 2002 و 1992 و Kymlicka, 2005 و Delanty, 2009 و چلبی، ۱۳۸۲ و دیگران) درباره نحوه

مدیریت جوامع متکثر، منجر به فراهم شدن نظریه‌ها و مدل‌های متعددی شده است که می‌توان در یک بردار از آزادی کامل و بدون هیچ‌گونه مدیریت جانبدارانه از گروه‌های قومی، مذهبی و فرهنگی توسط دولت‌ها (تکثرگرایی) در یک سو و در سوی دیگر بردار نادیده انگاشتن تفاوت‌ها و تأکید بر وحدت و یا تسلط قوم غالب به لحاظ مذهبی و فرهنگی بر سایر گروه‌های قومی و تلاش برای همسان سازی (همگون‌سازی) (Reitz, 2009) اقوام در درون هویت غالب در نظر گرفت.

بنابراین چندفرهنگ‌گرایی بعنوان ابرازی برای مدیریت تنوع قومی و فرهنگی در مقابل همگون‌سازی مطرح می‌باشد (Reitz, 2009). این ابزار به‌ویژه در جوامعی که در آن گروه‌هایی با فرهنگ‌های متفاوت حضور دارند از اهمیت برخوردار بوده و برای حفظ و ایجاد نظم و انسجام اجتماعی در جامعه از آن استفاده می‌شود. برخلاف گذشته در جوامع کنونی تنوع فرهنگی در کل جامعه رخنه کرده است و به دنبال آن استراتژی‌های فرهنگی متعددی برای مدیریت جوامع از حیث تنوع و تفاوت‌های فرهنگی بوجود آمده است (Delanty, 2009, 72).

از جمله کارهای مهم صورت گرفته در این عرصه می‌توان به تقسیم‌بندی مارجر (۱۹۹۲) از الگوهای رایج در سطح جهانی برای حل مساله قومیت یا همان مدیریت تنوعات قومی اشاره داشت. مارجر سه الگوی همانندسازی^۱ که شامل همانند سازی ساختاری و فرهنگی می‌باشد، تکثرگرایی مساوات طلبانه^۲ و تکثرگرایی نابرابر را از همدیگر تفکیک نموده و کشورها را برحسب نوع سیاست اتخاذ شده در قالب یکی از این الگوها جایگذاری کرده است. هر کدام از این الگوها نظیر همانندسازی خود دارای ابعاد متعددی می‌باشد (افتخاری، ۱۳۷۷).

دلانتی (۲۰۰۹) نیز ده مدل اصلی از چند فرهنگ‌گرایی که هر کدام شیوه خاصی برای مدیریت تنوع و تفاوت فرهنگی و ایجاد یکپارچگی در جامعه را پیشنهاد داده‌اند را در زیر سه عنوان اصلی چند فرهنگ‌گرایی سنتی، چند فرهنگ‌گرایی مدرن و پسا چند فرهنگ‌گرایی مورد بررسی قرار داده است. چند فرهنگ‌گرایی سنتی: این مجموعه شامل چهار دسته از دیدگاه‌هایی است که به

1- Assimilation
2- Equalitarian pluralism

تبیین نحوه مدیریت تنوعات قومی و فرهنگی می‌پردازد.

۱-۱. تک فرهنگ‌گرایی^۱

این دیدگاه به هویت فرهنگی اکثریت برتری می‌دهد و هویت سیاسی را با هویت فرهنگی قومیت اکثریت می‌سازد. ژاپن و آلمان نمونه‌هایی از این مدل می‌باشند. از دیدگاه‌های نزدیک به تک فرهنگ‌گرایی می‌توان به دیدگاه همانند سازی اشاره داشت. در دیدگاه همانندسازی فرض می‌شود که خرده‌هویت‌ها باید در هویت مسلط ادغام شود و به‌عنوان هویت مستقل صلاحیت شناسایی ندارند (امیدی، ۱۳۸۷). این دیدگاه با مفهوم همگون‌گرایی هارتمن و گرتیس (۲۰۰۵) مطابقت بسیاری دارد. شکل بسیار حادث‌تر این دیدگاه را می‌توان در نظریه جداسازی^۲ مشاهده کرد. یکی از راه‌های پیشنهادی و صرفاً نظری به منظور پیشگیری و کاهش تنش و تضادهای قومی و فرهنگی، نظریه جداسازی است.

به اعتقاد طرفداران این نظریه، خشونت و تضاد قومی به نحو ضمنی بیانگر این موضوع است که تحقق نظم در داخل یک کشور عملی نیست، مگر اینکه گروه‌های قومی و فرهنگی از لحاظ جمعیتی به قلمروهای قابل دفاع مستقل تفکیک شوند و اقداماتی نظیر فراهم کردن زمینه مشارکت گروه‌های اقلیت در ساختار قدرت، باز آفرینی هویت جمعی و نظایر اینها کارایی ندارد، چرا که این مکانیسم‌ها قادر به کاهش اضطراب ناشی از معمای امنیت برای گروه‌های قومی نیستند (Sambanis, 2000, 438) و (امیدی، ۱۳۸۷، ۷۲).

شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد جداسازی قومی و فرهنگی از توانایی لازم برای کاهش کشمکش و تضاد در میان گروه‌های قومی برخوردار نیست. جنگ میان کرواسی با صربستان، اتیوپی و اریتره، بخش یونانی قبرس و بخش ترک‌نشین (Singh, 1997)، سودان و سودان جنوبی، پاکستان و هند پس از تجزیه و جداسازی اقوام ناهمگن از لحاظ قومیتی، فرهنگی و مذهبی از همدیگر موید این نکته است که این نظریه توانایی تبیین و کاهش تضاد در میان اقوام در جوامع را ندارد.

1- Monoculturalism
2- Partition theory

۲-۱. چند فرهنگ‌گرایی جمهوری خواهانه

در آن تفاوت‌ها بازشناسی نشده و بر روی برابری تأکید دارد و هدف آن خلق یک روش مشترک زندگی است. این دیدگاه تنوع را تنها در سطح پیش از سیاست و در حوزه خصوصی پذیرفته و تنها یک هویت سیاسی مشترک را جستجو می‌کند. فرانسه مدل نمونه‌ای این دیدگاه می‌باشد.

۳-۱. ارکانی شدن^۱

در این مدل که بیشتر برای گروه‌های مذهبی دارای کاربرد است، گروه‌های که دارای نفوذ پایینی می‌باشند از میزان اثرگذاریشان در جامعه کاسته می‌شود. هلند، شوروی سابق و عثمانی از نمونه‌های این مدل می‌باشند. از جمله دیدگاه‌های نزدیک به این مدل می‌توان به دیدگاه مشارکت سهامی اشاره داشت. (O'Leary, 2005, 43). شواهد تجربی ناشی از اجرا و اداره جوامع در کشورهای نظیر لبنان، قبرس، ایرلند شمالی و عراق که از ترکیب گروه‌های مذهبی متفاوتی برخوردار بوده‌اند، نشانگر عدم توفیق این نظریه در کاهش میزان تضاد قومیتی و مذهبی در این جوامع بوده است و در عین حال موفقیت آن در برخی دیگر از کشورها نظیر هلند، سوئیس و کانادا موید این نکته است که علاوه بر شیوه مدیریت تنوعات در این جوامع بایستی بدنبال علل تأثیرگذار دیگری نیز بود.

۴-۱. چند فرهنگ‌گرایی لیبرال^۲

این دیدگاه به تنوع در سطح هویت فرهنگی و تعهد مطلق به بی‌طرفی فرهنگ عمومی مشترک در حوزه سیاسی معتقد بوده و لیبرالیسم در هویت سیاسی و چندفرهنگ‌گرایی در هویت‌های قومی را مورد تأکید قرار می‌دهد. نمونه این مدل کشور آمریکا می‌باشد. (Dillard, 2001, 175).

1- Pillarization.

2- Liberal multiculturalism

۲. چند فرهنگ‌گرایی مدرن

۲-۱. چند فرهنگ‌گرایی اجتماعی گرا^۱

در این مدل هویت‌های قومی بازشناسی شده و اقوام و گروه‌ها برای حفظ هویت خود تشویق می‌شوند. در این دیدگاه دولت به منظور ادخال هرچه بیشتر گروه‌های مختلف دارای حداکثر بی‌طرفی است. این مدل سه شکل متفاوت می‌تواند به‌خود بگیرد. الف) خودمختاری فدرال در شکل خود حکومتی ب) حقوق چند قومی برای اقلیت‌های قومی مختلف و ج) حقوق نمایندگی ویژه برای گروه‌های بدون مزیت. نمونه این مدل، کشورهای کانادا و هند می‌باشد. از دیدگاه‌های نزدیک به این مدل می‌توان به نظریه‌های فدرالیسم و خودمختاری اشاره داشت.

از جمله کشورهایی که با شیوه فدرالی اداره می‌گردند می‌توان به آمریکا، روسیه، هند، پاکستان، آلمان و برزیل اشاره داشت. مرور تنش‌های قومی و مذهبی در این کشورها نشان دهنده رخ داد تضادهای قومیتی و مذهبی در برخی از این کشورهاست و در مقابل برخی دیگر از کشورها از کشمکش و تضاد به‌دور بوده‌اند.

۲-۲. چند فرهنگ‌گرایی جمع‌گرایانه لیبرال^۲

در این مدل تنوع بطور رسمی پذیرفته شده است. بیشتر در سطح خرده ملی مطرح بوده و به‌طور اساسی با مدل‌های قبلی متفاوت نیست و بر همکاری و همزیستی صلح‌آمیز میان گروه‌های قومی و فرهنگی در جامعه بیشتر از سیاست رسمی محدود کردن تأکید دارد و فرض می‌کند که اقلیت‌ها نشانگان فرهنگی اکثریت را یاد خواهند گرفت. بریتانیا نمونه‌ای از این کشورهاست که از تاریخ استعماری و مشترک‌المنافع آن اشتقاق شده است.

۲-۳. فرا فرهنگ‌گرایی

نوع ملایمی از چند فرهنگ‌گرایی است که ارتقا تفاوت‌های فرهنگی را بعنوان یک خصوصیت مثبت مورد توجه قرار می‌دهد و برنامه‌های آن تلاش برای گسترش

1- Communitarian multiculturalism

2- Liberal communitarian multiculturalism

آگاهی‌های فرهنگی و مدارا در برابر فرهنگ‌های دیگر است.

۳. پسا چند فرهنگ گرایی

۳-۱. چند فرهنگ گرایی رادیکال^۱

هدف این مدل رسیدن به تنوع و تفاوت‌های فرهنگی است. این مدل ادعا می‌کند که بایستی گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر در مقابل گروه‌های مسلط تقویت و صاحب قدرت شوند. دولت‌ها بایستی گروه‌های حاشیه‌ای بدون مزیت را مورد تأیید و شناسایی قرار دهند.

۳-۲. چند فرهنگ گرایی انتقادی

این مدل تضاد بین حقوق جمعی و فردی را برجسته می‌کند و بیشتر یک مدل فلسفی است و نزدیک به ایده اجتماع‌گرایان است. این دیدگاه تفاوت در گروه‌های قومی را مورد تأکید قرار داده و کثرت‌گرایی همه هویت‌های قومی را بازشناسی کرده است.

۳-۳. چند فرهنگ گرایی فراملی

شکل منعطف‌تری از شهروندی است و نیاز شهروندان به ملیت‌های چندگانه را مورد توجه قرار می‌دهد در این مدل تأکید بر روی انعطاف بیشتر نوع شهروندی است که با جهانی شدن و اشکال جدید حکومت ظاهر می‌شود (Delanty, 2009).

در توصیف مدل‌ها یا استراتژی‌های چند فرهنگ گرایی می‌توان همچنین از کار هارتمن و گرتیس (۲۰۰۵) نام برد. آنها در تشریح استراتژی‌های چند فرهنگ گرایی، یک چهارچوب کلی از نوع نگاه به چندفرهنگی را ترسیم نموده‌اند. براساس این چهارچوب چهار نوع دیدگاه متفاوت به تنوع حاصل می‌شود که در جدول زیر آورده شده است.

1- Radical Multiculturalism

جدول ۲: پایه‌های یکپارچگی و انسجام هارتمن و گرتیس (۲۰۰۵)

پایه‌های		اتصالات اخلاقی	قواعد رویه‌ای
روابط	فرد در جامعه	همگون‌گرایی (Schlesinger)	جهان‌شهرگرایی (Hollinger)
انجمنی	گروه‌های میانی	کثرت‌گرایی تعاملی (Alexander, Taylor)	کثرت‌گرایی چندپاره (portes&Rumbat)

هر کدام از انواع چهارگانه دیدگاه‌های فوق خصوصیت ساختاری ویژه‌ای در ارتباط با نظم و انسجام اجتماعی دارند که در ادامه به توضیح آنها پرداخته شده است. الف) همگون‌گرایی: در این نگرش مرزهای اجتماع کل قوی و مرزهای گروهی درونی ضعیف است. فشار هم‌نوایی بر روی فرد برای از دست دادن هویت قبلی خود و انطباق با ارزش‌های هسته‌ای جدید است. این دیدگاه بر حذف تفاوت‌های بین افراد تأکید دارد.

ب) جهان‌شهرگرایی: بر اساس این دیدگاه تفاوت می‌تواند بدون تضاد معنی‌دار وجود داشته باشد.

ج) کثرت‌گرایی چندپاره شده: در این مدل مرزهای اجتماعی کلان ضعیف ولی مرزهای بین گروهی قوی است. در این مدل فشار هم‌نوایی بالا اما مخصوص گروه است.

د) کثرت‌گرایی تعاملی: این مدل به چند فرهنگ‌گرایی نزدیک است. این مدل وجود گروه‌ها و فرهنگ‌های متمایز را تصدیق می‌کند و تعهدات اساسی مشترک را به‌عنوان عاملی برای ایجاد نظم و انسجام تلقی می‌کند (Hartmann & Gerteis, 2005, 227-232).

چلبی (۱۳۸۲) یکی دیگر از افرادی است که اقدام به تبیین و تشریح استراتژی‌های متفاوت برای مدیریت تنوعات قومی و فرهنگی کرده است. وی از سه استراتژی، تکثرگرایی فرهنگی، یک‌شکلی فرهنگی و استراتژی وحدت در تکثر فرهنگی نام می‌برد. چلبی در تبیین انتخاب استراتژی مناسب برای مدیریت تنوعات قومی و فرهنگی به موضوع شرایط اختلالات نمادی می‌پردازد و معتقد است یکی از مقتضیات اساسی نظم جامعه‌ای وحدت نمادی است. وی از عواملی نظیر تفکیک اجتماعی، رشد سریع

جمعیت، گسترش ارتباطات جمعی، تراکم قواعد فرهنگ جامعه و موارد دیگر نام می برد که می توانند زمینه اختلال نمادی و نهایتاً فروپاشی نظم و انسجام در جامعه را فراهم نمایند.

از نظر چلبی (۱۳۸۲) در حال حاضر بهترین گزینه برای مدیریت تنوعات قومی و فرهنگی در جوامع و ایران، استراتژی وحدت در تکثر فرهنگی می باشد که می تواند زمینه وحدت نمادی و نظم درونی و انسجام را در جوامع فراهم سازد.

مرور ادبیات نظری، نشان می دهد که افراد و دیدگاه های مختلف برای مدیریت تنوعات فرهنگی و قومی و ایجاد نظم و انسجام در جوامع، مدل های متفاوتی از همگونی فرهنگی (وحدت فرهنگی) تا تکثرگرایی فرهنگی را پیشنهاد کرده اند. اتخاذ هر کدام از این مدل ها نتایج متفاوتی بر روی نظم و انسجام در جوامع خواهد داشت. همچنان که ممکن است انتخاب و پیاده سازی یک سیاست فرهنگی به صورت عملی در یک جامعه نتایج متفاوتی با جامعه دیگر با همان سیاست داشته باشد.

با توجه به ادبیات نظری و مدل های نظری طرح شده در بخش مرور ادبیات نظری می توان فرضیه های زیر را طرح نمود:

۱. بین نوع استراتژی مدیریت تنوعات فرهنگی و قومی (میزان و سطح محدودیت فرهنگی و مذهبی) در جامعه با (میزان شورش) رابطه وجود دارد.
۲. رابطه بین نوع استراتژی مدیریت تنوعات فرهنگی و قومی (میزان و سطح محدودیت فرهنگی و مذهبی) در جامعه با (میزان شورش) خطی است.
۳. اتخاذ یک نوع واحد از استراتژی مدیریت تنوعات فرهنگی و قومی (میزان و سطح محدودیت فرهنگی و مذهبی) از سوی کشورهای مختلف میزان متفاوتی از شورش را بدنبال دارد.
۴. بین نوع استراتژی مدیریت تنوعات فرهنگی و قومی (میزان و سطح محدودیت فرهنگی و مذهبی) در جامعه با (میزان انسجام) رابطه وجود دارد.
۵. رابطه بین نوع استراتژی مدیریت تنوعات فرهنگی و قومی (میزان و سطح محدودیت فرهنگی و مذهبی) در جامعه با (میزان انسجام) خطی است.

۶. اتخاذ یک نوع واحد از استراتژی مدیریت تنوعات فرهنگی و قومی (میزان و سطح محدودیت فرهنگی و مذهبی) از سوی کشورهای مختلف میزان متفاوتی از انسجام را بدنبال دارد.
۷. بین شورش و انسجام رابطه وجود دارد.

۴. روش و داده‌ها

به‌منظور پاسخگویی به سؤالات فوق اقدام به تحلیل ثانویه داده‌های (MAR, 2009) International Religious Freedom, Minorities at Risk (ISD) و (ISD) شده است. Minorities at Risk توسط تد رابرت گار در سال ۱۹۸۶ در دانشگاه مریلند پایه‌گذاری شده است و تاکنون در ۴ مرحله اقدام به جمع‌آوری اطلاعات نموده است. برای اطمینان از صحت داده‌ها از منابع متعددی برای هر شاخص استفاده شده است (MAR codebook2/2009, p3).

شاخص (ISD) دربردارنده ۶ بعد برای اندازه‌گیری توسعه اجتماعی است که توسط موسسه بین‌المللی مطالعات اجتماعی (ISS) وابسته به دانشگاه Erasmus هلند تدوین شده است. به منظور قابلیت اطمینان بیشتر هم در انتخاب داده‌ها برای ساختن شاخص‌ها سخت‌گیری شده است و هم از منابع چندگانه برای کاهش میزان خطا استفاده شده است (Lambsdorff, 2007; Kaufmann & et al, 1999; Kaufmann & et al, 2006).

۵. شاخص‌ها

برای اندازه‌گیری میزان شاخص محدودیت نشانگان فرهنگی به‌عنوان سیاست‌های حاکم بر جوامع در مدیریت تنوعات قومی، فرهنگی و مذهبی از داده‌های MAR و همچنین داده‌های (International Religious Freedom (Finke, 2011) استفاده شده است. جدول ۳ و ۴ دامنه داده‌های مورد استفاده را نشان می‌دهد:

جدول ۳: نشانگر شاخص محدودیت‌های فرهنگی و مذهبی

محدودیت در استفاده از زبان یا ساختارهای زبانی RL - ۰ - ۳

الگوهای مدیریت تنوعات فرهنگی و مذهبی و رابطه آن با شورش و انسجام.....

که از بدون محدودیت تا محدودیت کامل رتبه‌بندی شده، استفاده شده است. و همچنین داده‌های (International Religious Freedom (Finke, 2011) که شامل:

جدول ۴: نشانگرهای شاخص محدودیت‌های مذهبی

اصلاح مقررات اجتماعی دین توسط دولت‌ها (Modified Social Regulation of Religion) (۱۰-۰) ^۱
شاخص طرفداری دولت‌ها از دین (Government Favoritism of Religion) (۹-۰) ^۲
شاخص نظارت دولت بر دین (Government Regulation of Religion) (Cooperman, 2016) ^۳
۱۰-۰

برای ساخت شاخص محدودیت مذهبی توسط دولت‌ها استفاده شده است. این شاخص‌ها از صفر= بدون هیچ نظارت، اصلاح و طرفداری تا ۹ و ۱۰ به معنای سطح بالایی از نظارت، اصلاح و طرفداری رتبه‌بندی شده است. با ترکیب شاخص محدودیت فرهنگی و شاخص محدودیت مذهبی، شاخص محدودیت مذهبی و فرهنگی ساخته شده است.

برای اندازه‌گیری میزان خشونت و تضاد قومی در اینجا (اعتراض و شورش)، از مجموعه داده‌های (MAR, 2009) استفاده شده است. براساس این مجموعه متغیر اعتراض از صفر به معنی عدم گزارش اعتراض تا پنج به معنی تظاهرات وسیع ارزش‌گذاری شده است و متغیر شورش نیز از صفر به معنی عدم گزارش شورش تا هفت به معنی جنگ‌های متعدد داخلی ارزش‌گذاری شده است. همچنین برای اندازه‌گیری میزان انسجام (متغیر وابسته) از داده‌های Indices of Social Development (ISD, 2010) (Intergroup cohesion) متشکل از ۱۲ نشانگر، استفاده شده است.

دوره زمانی داده‌های این مطالعه از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ و شامل ۱۹۹ کشور می‌شود.

۶. نتایج و یافته‌ها

مرور نتایج مرتبط با مدیریت تنوعات قومی و فرهنگی در جوامع مختلف نشان می‌داد

1- MSRI
2- GFI
3- GRI

که علیرغم اتخاذ استراتژی‌های متفاوت شاهد نتایج متناقضی در این حوزه بوده و ضرورتاً انتخاب یک استراتژی خاص در مدیریت تنوعات قومی منجر به کاهش تضاد و خشونت‌های قومی و نهایتاً انسجام در جوامع نمی‌گردید. بنابراین در این بخش تلاش می‌شود به سؤالات چهارگانه مطروحه در بخش قبلی پاسخ داده شود.

جدول ۵: میانگین شاخص‌های انسجام، شورش، اعتراض، محدودیت مذهبی و فرهنگی و محدودیت مذهبی بر حسب نواحی جغرافیایی

نواحی	انسجام	شورش	اعتراض	محدودیت مذهبی و فرهنگی	محدودیت مذهبی
آسیا	۰/۶۴۱	۰/۶۸۱	۰/۷۱۲	۴/۶۰	۵/۳۹
اروپا	۰/۷۳۰	۰/۱۷۹	۱/۲۳	۳/۸۶	۴/۳۲
آفریقا	۰/۶۳۵	۰/۶۱۲	۰/۸۴۴	۲/۷۰	۳/۲۰
آمریکا	۰/۶۸۳	۰/۲۳۵	۱/۳۵	۲/۲۹	۲/۴۷
اقیانوسیه	۰/۷۶۰	۰/۶۶۷	۱/۷۲	۱/۲۵	۱/۹۵
خاورمیانه	۰/۶۲۷	۱/۶۶	۱/۷۰	۵/۹۷	۷/۳۹
کل	۰/۶۷۱	۰/۵۵۵	۱/۰۸	۳/۵۵	۴/۰۵
حداقل	۰/۱۸۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰	۰
حداکثر	۰/۷۸۹	۵/۰۰	۴/۰۰	۷	۱۰

پیش از پاسخ به سؤالات مطروحه لازم است نمای کلی از وضعیت کشورهای مورد مطالعه بر حسب مناطق جغرافیایی ارائه گردد. جدول ۵ نشان می‌دهد که کمترین میزان انسجام متعلق به خاورمیانه و بیشترین میزان انسجام متعلق به اقیانوسیه می‌باشد. همچنین بیشترین محدودیت در امور مذهبی و فرهنگی مربوط به خاورمیانه و کمترین آن مربوط به اقیانوسیه و آمریکا می‌باشد و کمترین میزان محدودیت مذهبی مربوط به اقیانوسیه و بیشترین آن مربوط به خاورمیانه است.

پس از شناخت کلی از متغیرهای مطالعه به بررسی فرضیات مطروحه پرداخته می‌شود.

الف) برای پاسخ به فرضیه‌های مطروحه، اقدام به بررسی همبستگی بین شاخص محدودیت مذهبی و فرهنگی توسط دولت‌ها و محدودیت مذهبی توسط دولت‌ها با میزان شورش و میزان انسجام و همچنین همبستگی بین میزان شورش با میزان انسجام گردید. جدول زیر وضعیت رابطه این متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۶: رابطه همبستگی بین شاخص محدودیت‌های مذهبی و فرهنگی توسط دولت‌ها با میزان شورش، اعتراض و انسجام

میزان شورش	میزان اعتراض	میزان انسجام		
۰/۱۹۸ (*)	۰/۰۸۷	-۰/۳۴۰ (**)	ضریب همبستگی	محدودیت مذهبی و فرهنگی
۰/۰۳۴	۰/۱۷۷	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
۰/۲۰۶ (*)	۰/۰۷۰	-۰/۳۰۴ (**)	ضریب همبستگی	محدودیت مذهبی
۰/۰۲۷	۰/۲۲۹	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
		-۰/۵۱۵ (**)	ضریب همبستگی	میزان شورش
		۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
		-۰/۱۵۲	ضریب همبستگی	میزان اعتراض
		۰/۰۵۴	سطح معنی‌داری	

با توجه به جدول فوق بین شاخص محدودیت مذهبی و فرهنگی با میزان شورش رابطه وجود دارد. بنابراین فرضیه اول مورد تأیید واقع می‌شود و انتظار است که با افزایش میزان محدودیت مذهبی و فرهنگی و تمایل کشورها به انتخاب استراتژی همگون‌سازی فرهنگی و مذهبی بر میزان شورش‌ها در جوامع افزوده شود.

همچنین بین شاخص محدودیت مذهبی و فرهنگی توسط دولت‌ها و شاخص محدودیت مذهبی توسط دولت‌ها با میزان انسجام نیز رابطه وجود دارد و با توجه به رابطه به دست آمده و با توجه به نوع رابطه انتظار می‌رود با افزایش میزان محدودیت مذهبی و فرهنگی و تمایل کشورها به انتخاب استراتژی همگون‌سازی از میزان انسجام در جوامع کاسته شود. این رابطه، یک رابطه هم‌تغییری معکوس است. بنابراین فرضیه چهارم مورد تأیید واقع می‌شود با این تفاوت که رابطه بین محدودیت مذهبی و فرهنگی با انسجام نسبت به شورش قوی‌تر می‌باشد.

همچنین بین شورش و انسجام به میزان ۰/۵۱۵- رابطه وجود دارد. این رابطه، یک رابطه هم‌تغییری معکوس می‌باشد، به گونه‌ای که انتظار می‌رود با افزایش میزان شورش در کشورها از سطح انسجام اجتماعی کاسته شود. بنابراین فرضیه هفتم مورد تأیید واقع می‌شود.

دومین فرضیه عنوان می‌کند که، رابطه بین نوع استراتژی مدیریت تنوعات

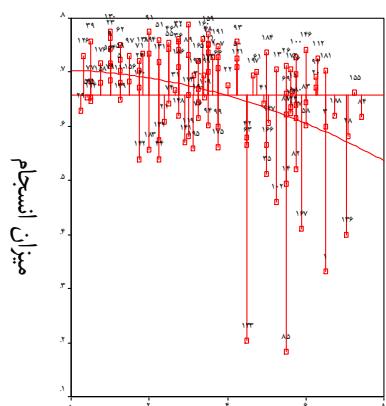
فرهنگی و قومی (میزان و سطح محدودیت فرهنگی و مذهبی) در جامعه با (میزان شورش) خطی است.

برای سنجش صحت این فرضیه شکل (ج) و (د) ترسیم شده است. این شکل نشان می‌دهد که ایجاد محدودیت مذهبی توسط دولت‌ها به‌عنوان یک بعد از شاخص (محدودیت مذهبی و فرهنگی) در ابتدا تا اندازه‌ای می‌تواند منجر به کاهش میزان شورش در جوامع گردد، اما با افزایش سطح محدودیت بر میزان شورش در جوامع افزوده خواهد شد و بنابراین یک رابطه غیرخطی بین این دو متغیر حاکم است. همچنین رابطه ترسیم شده در شکل (د) نشان دهنده وجود یک رابطه غیرخطی میان محدودیت مذهبی و فرهنگی توسط دولت‌ها با میزان شورش می‌باشد، به‌نحوی که در ابتدا با افزایش میزان محدودیت مذهبی و فرهنگی توسط دولت‌ها از میزان شورش کاسته می‌شود اما در ادامه با افزایش میزان محدودیت مذهبی و فرهنگی توسط دولت‌ها بر میزان شورش‌ها نیز افزوده می‌شود. بنابراین فرضیه دوم مورد تأیید واقع نمی‌گردد. فرضیه پنجم همانند فرضیه دوم عنوان می‌کند که، رابطه بین نوع استراتژی مدیریت تنوعات فرهنگی و قومی (میزان و سطح محدودیت فرهنگی و مذهبی) در جامعه با (میزان انسجام) خطی است.

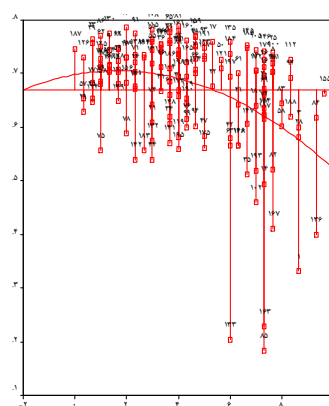
برای سنجش صحت این فرضیه شکل (الف) و (ب) ترسیم شده است. شکل (الف) نشان می‌دهد که چگونه در ابتدا با افزایش محدودیت مذهبی بر میزان انسجام افزوده می‌شود اما سپس مجدداً با افزایش بیشتر میزان محدودیت مذهبی از میزان انسجام کاسته می‌شود به‌نحوی که از نقطه شروع رابطه نیز کمتر می‌شود. انتظار می‌رود با افزایش میزان محدودیت مذهبی توسط دولت‌ها از نقطه عطف با کاهش سطح انسجام در جوامع مواجه باشیم. بنابراین در این بخش نیز با یک رابطه غیرخطی مواجه می‌باشیم. همچنین شکل (ب) برخلاف سه شکل دیگر مؤید این نکته است که ایجاد محدودیت مذهبی و فرهنگی توسط دولت‌ها از ابتدا میزان انسجام در جوامع را کاهش می‌دهد و بنابراین یک رابطه خطی بین این دو متغیر حاکم است.

نتیجه به دست آمده نشانگر تأیید بخشی از فرضیه پنجم می‌باشد. اگر محدودیت مذهبی اعمال شود تا حدی در ابتدا با افزایش انسجام روبرو هستیم اما اگر محدودیت

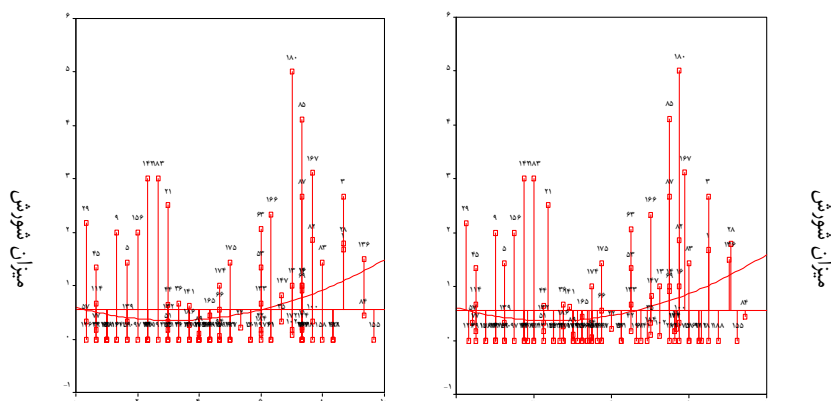
فرهنگی هم به محدودیت مذهبی افزوده شود بلافاصله با کاهش انسجام روبرو خواهیم بود. به منظور پاسخ به فرضیه سوم و ششم ضرورت دارد رابطه بین شاخص‌های مورد مطالعه با تفکیک مناطق جغرافیایی جهان مورد بررسی قرار گیرد. داده‌های جدول زیر نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری در میزان قوت رابطه بین شاخص‌های مورد مطالعه باهمدیگر وجود دارد. بالاترین رابطه بین میزان انسجام و شورش مربوط به قاره آسیا می‌باشد و ضعیف‌ترین رابطه معنی‌دار مربوط به اروپا است. بالاترین رابطه بین میزان انسجام و محدودیت مذهبی و فرهنگی مربوط به قاره آفریقا می‌باشد و ضعیف‌ترین رابطه معنی‌دار مربوط به آسیا است. بالاترین رابطه بین میزان انسجام و محدودیت مذهبی مربوط به قاره اروپا می‌باشد و ضعیف‌ترین رابطه معنی‌دار مربوط به آسیا است.



(ب) شاخص محدودیت مذهبی و فرهنگی توسط دولت‌ها



(الف) شاخص محدودیت مذهبی توسط دولت‌ها



(د) شاخص محدودیت مذهبی توسط دولت‌ها

(ج) شاخص محدودیت مذهبی و فرهنگی توسط دولت‌ها

شکل ۱: رابطه بین شاخص‌های محدودیت مذهبی و فرهنگی و محدودیت مذهبی توسط دولت‌ها با میزان شورش و انسجام

بنابراین فرضیه‌های سوم و ششم مورد تایید واقع می‌شود بدین معنی که ضرورتاً انتخاب یک استراتژی واحد منجر به ظهور میزان یکسانی از انسجام و شورش در کشورهای مختلف نمی‌شود. این امر تا حدود زیادی یگانگی استراتژی مدیریت تنوعات فرهنگی، مذهبی و قومی برای هر کشور را نشان می‌دهد. هرچند که در پاسخ به این سوال که، با توجه به رابطه و نوع و شکل رابطه میان محدودیت فرهنگی و مذهبی با شورش و انسجام کدام نوع از استراتژی‌های مدیریت تنوعات قومی و فرهنگی برای جوامع متکثر مناسب است؟ بایستی متذکر شد که علیرغم وجود نتایج گاهاً متضاد میان جوامعی با استراتژی‌های یکسان در مجموع با توجه به اشکال بالا استراتژی پذیرش تنوعات از طریق تسهیل فعالیت تنوعات قومی و مذهبی می‌تواند در طولانی مدت زمینه کاهش تضاد و خشونت (و شورش) و نهایتاً افزایش انسجام را فراهم نماید.

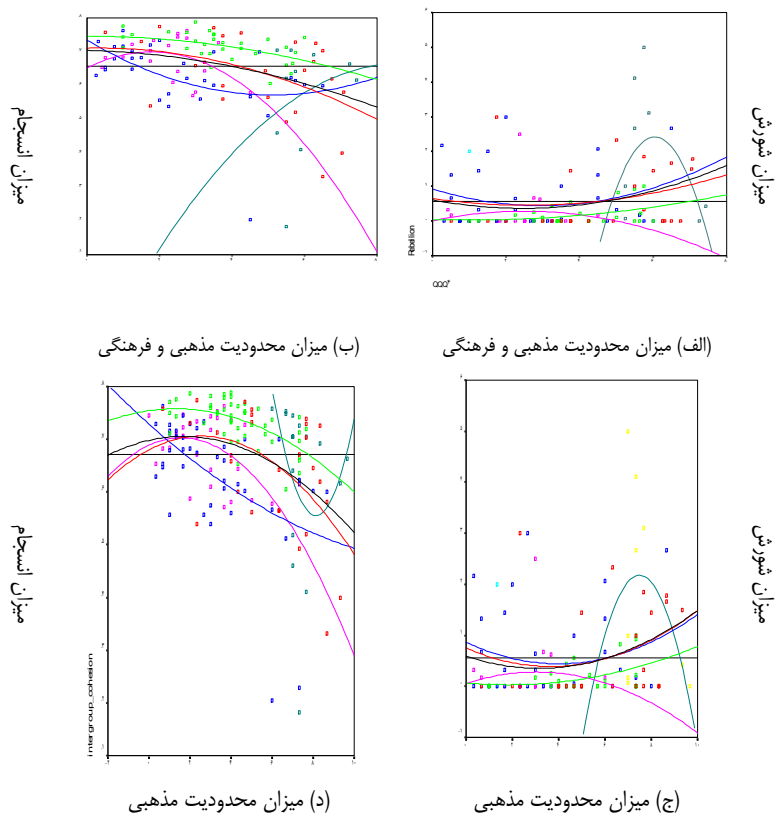
الگوهای مدیریت تنوعات فرهنگی و مذهبی و رابطه آن با شورش و انسجام.....

جدول ۷: ضریب همبستگی شاخص‌های انسجام، شورش، محدودیت مذهبی و فرهنگی و محدودیت مذهبی بر حسب نواحی جغرافیایی

شورش	انسجام	ضریب همبستگی	
۰/۵۱۷	-۰/۷۴۵ (**)	شورش	آسیا
۰/۳۰۷	-۰/۴۴۷ (*)	محدودیت مذهبی و فرهنگی	
۰/۳۸۹	-۰/۴۴۶ (*)	محدودیت مذهبی	
	-۰/۴۳۶ (*)	شورش	اروپا
۰/۲۱۰	-۰/۴۶۵ (*)	محدودیت مذهبی و فرهنگی	
۰/۲۱۶	-۰/۵۷۴ (**)	محدودیت مذهبی	
	-۰/۳۴۲	شورش	آفریقا
۰/۰۳۹	-۰/۵۵۳ (**)	محدودیت مذهبی و فرهنگی	
۰/۰۱۰	-۰/۵۶۴ (**)	محدودیت مذهبی	
	-۰/۴۰۵	شورش	آمریکا
۰/۰۳۹	-۰/۱۴۸	محدودیت مذهبی و فرهنگی	
۰/۰۱۰	-۰/۲۱۷	محدودیت مذهبی	
	-۰/۴۲۶	شورش	اقیانوسیه
۰/۵۳۴	-۰/۳۷۷	محدودیت مذهبی و فرهنگی	
-۰,۵۱۷	۰,۰۸۲	محدودیت مذهبی	
	-۰,۴۲۶	شورش	خاورمیانه
-۰,۲۶۳	۰,۰۰۰	محدودیت مذهبی و فرهنگی	
-۰,۳۶۵	-۰,۵۴۸(*)	محدودیت مذهبی	

به منظور درک بهتر از وضعیت کشورها بر حسب تعلق جغرافیایی و رابطه محدودیت مذهبی و فرهنگی با انسجام و شورش اشکال زیر ترسیم شده است.

۱- خاورمیانه ۲- آمریکا ۳- آفریقا ۴- اروپا ۵- آسیا ۶- جهان



شکل ۲: رابطه بین شاخص‌های محدودیت مذهبی و فرهنگی و محدودیت مذهبی توسط دولت‌ها با میزان شورش و انسجام در مناطق مختلف

توجه به اشکال ترسیم شده در بالا این نکته به روشنی مشخص است که در مناطق مختلف جهان میزان محدودیت‌های فرهنگی و مذهبی اثرات متفاوتی بر روی میزان انسجام و میزان شورش دارد. این اثرات را می‌توان به شکل زیر صورت‌بندی کرد.

(الف) رابطه بین میزان محدودیت فرهنگی و مذهبی توسط دولت‌ها با میزان انسجام منجر به شکل‌گیری چهار الگوی متفاوت شده است.

۱- خاورمیانه: هرچقدر بر میزان محدودیت فرهنگی و مذهبی افزوده شده است بر میزان انسجام نیز افزوده شده است.

- ۲- آفریقا: شکل رابطه این دو شاخص U شکل است برخلاف آسیا، اروپا و متوسط کل جهانی که شکل U برعکس است.
- ۳- آمریکا: سرعت کاهش انسجام با افزایش میزان محدودیت فرهنگی و مذهبی بسیار بیشتر از سایر قاره‌ها است.
- ۴- اروپا، آسیا و کل: تقریباً مشابه هم با روند کاهشی آهسته‌تر نسبت به سایر کشورها
- ب) رابطه بین میزان محدودیت فرهنگی و مذهبی توسط دولت‌ها با میزان شورش منجر به شکل‌گیری سه الگوی متفاوت شده است.
- ۱- خاورمیانه: با افزایش میزان محدودیت فرهنگی و مذهبی ابتدا شورش افزایش سپس کاهش، شکل U برعکس است.
- ۲- آمریکا: با افزایش میزان محدودیت فرهنگی و مذهبی، شورش کاهش می‌یابد.
- ۳- اروپا، آسیا، آفریقا و کل: با افزایش میزان محدودیت فرهنگی و مذهبی ابتدا شورش کاهش و سپس افزایش می‌یابد.
- ج) رابطه بین میزان محدودیت مذهبی توسط دولت‌ها با میزان انسجام منجر به شکل‌گیری سه الگوی متفاوت شده است.
- ۱- خاورمیانه: با افزایش میزان محدودیت مذهبی ابتدا انسجام کاهش سپس افزایش، شکل U است.
- ۲- آفریقا: با افزایش میزان محدودیت مذهبی کاهشی در انتها با روند افزایشی
- ۳- اروپا، آسیا، آمریکا و کل: با افزایش میزان محدودیت مذهبی روند کاهشی انسجام تا انتها
- د) رابطه بین میزان محدودیت مذهبی توسط دولت‌ها با میزان شورش منجر به شکل-گیری سه الگوی متفاوت شده است.
- ۱- خاورمیانه: با افزایش میزان محدودیت مذهبی ابتدا شورش افزایش سپس کاهش، شکل U برعکس است.
- ۲- آمریکا: با افزایش میزان محدودیت مذهبی، شورش کاهش می‌یابد. همانند وضعیت محدودیت فرهنگی و مذهبی.

۳- اروپا، آسیا، آفریقا و کل: با افزایش میزان محدودیت مذهبی ابتدا شورش کاهش و سپس افزایش می‌یابد.

۷. نتیجه‌گیری

همچنان که مارجر (۱۹۹۲) اشاره کرده است، هم موضوعات قومیتی و هم موضوعات فرهنگی تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی، توجه سیاستگذاران را در جوامع به چندین دلیل به خود معطوف خواهد داشت. اولاً برخلاف پیش‌بینی‌های اولیه مبنی بر زوال وفاداری‌های قومی به عنوان نتیجه فرایند صنعتی شدن، هیچ‌گونه نمودی دال بر تضعیف این وفاداری‌ها مشاهده نمی‌شود. ثانیاً به نظر نمی‌رسد نیروهای موجد تنوع قومی نظیر مهاجرت، به‌ویژه در جوامع مدرن در حال از دست دادن قدرتشان باشند (افتخاری، ۱۳۷۷). ثالثاً با تغییر دسته‌بندی‌های افراد از پایه طبقات، نظیر طبقه کارگر و تنوعات فرهنگی و تضادهای ناشی از آن در جوامع به پایه گروه‌های فرهنگی اقلیت یا منزلتی، تنوعات و تضادها همچنان حفظ شده و حتی گسترش یافته است (Hechter, 2004). از اینرو تلاش‌های فراوانی برای یافتن راه حلی برای حل مساله تضاد و تنش‌های قومی و فرهنگی و نهایتاً ایجاد و حفظ نظم و انسجام صورت گرفته و این موضوع به امری اجتناب‌ناپذیر برای مدیریت جوامع تبدیل شده است. شورش و درگیری‌های متعدد قومی و فرهنگی در طی سالیان اخیر در نقاط مختلف دنیا نشان داده است که سیاست‌های گذشته مبتنی بر تلاش برای همسان‌سازی گروه‌های قومی و فرهنگی با گروه قومی و فرهنگی مسلط دیگر به مانند گذشته قابلیت لازم برای حفظ نظم و انسجام در جوامع را دارا نمی‌باشد (Delanty, 2009). (تقی لو، ۱۳۸۶). همچنین وجود شواهدی از نتایج متناقض در میان هم جوامعی که بر مبنای کثرت‌گرایی فرهنگی و قومی عمل می‌نمایند و هم در میان جوامعی که بر مبنای وحدت‌گرایی فرهنگی و قومی عمل می‌نمایند، نیز نوعی ابهام در انتخاب استراتژی مناسب برای مدیریت تنوعات در جوامع را به وجود آورده است. بنابراین در جمع‌بندی مطالب مطروحه، ضرورت پاسخ به این سؤال که کدام یا کدامین استراتژی برای مدیریت تنوعات قومی و فرهنگی در جوامع مناسب است، بیش از پیش نمایان شده است.

الف) مساله‌ای که مطالعه حاضر نشان داد این است که علیرغم وجود نتایج

متناقض در نهایت استراتژی تکثرگرایی فرهنگی نسبت به سایر استراتژی‌ها شرایط بهتری برای ایجاد و حفظ نظم و انسجام و کاهش شورش در جوامع فراهم می‌آورد.

ب) همانگونه که در بخش یافته‌ها نیز اشاره شد رابطه میان استراتژی‌های مدیریت تنوعات قومی، فرهنگی و مذهبی با شورش و انسجام یک رابطه خطی نبوده است. بنابر این علیرغم تأکید بر مناسب بودن استراتژی تکثرگرایی فرهنگی، با توجه به شکل روابط، در صورتی که بتوان میزان مشخص و بهینه‌ای از تحدید قومی، فرهنگی و مذهبی برای هر جامعه را تعیین کرد، با کمترین میزان شورش و بیشترین میزان انسجام مواجه خواهیم بود. اما با توجه به اینکه امکان تعیین این نقاط بهینه معمولاً با مشکل همراه است، به‌عنوان یک راهکار عملی می‌توان بر استراتژی تکثرگرایی تأکید داشت. به این معنی که در صورت ادامه دادن محدودیت‌های قومی، فرهنگی و مذهبی در جامعه اول و تکثرگرایی قومی، فرهنگی و مذهبی در جامعه دوم، نهایتاً جامعه دوم از میزان انسجام بالاتر و میزان شورش کمتری نسبت به جامعه اول برخوردار خواهد بود.

ج) همچنین با توجه به نتایج یافته‌های مطالعه اخیر، مقایسه اثرگذاری مدیریت تنوعات قومی، فرهنگی و مذهبی بر روی شورش و انسجام در میان جوامع مختلف برحسب ناحیه جغرافیایی نشان می‌دهد که تقریباً نمی‌توان یک دستورالعمل واحد و کلی برای مدیریت جوامع در سطح جهانی صادر نمود. استراتژی‌های مدیریت تنوعات قومی، فرهنگی و مذهبی یک دستورالعمل کامل و ثابت برای جوامع و کشورها نیست و در عین حال این الگوهای ارایه شده از استراتژی‌های مدیریت تنوعات می‌تواند از زمانی به زمانی دیگر متفاوت باشد، اما با اینحال می‌توان از این الگوها به‌عنوان نقشه عمل حدودی برای مدیریت تنوعات استفاده کرد.

د) نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که در میان کشورهای خاورمیانه محدودیت مذهبی بیش از محدودیت فرهنگی و مذهبی اثرگذار بوده است و شدت این اثرگذاری هم در محدودیت مذهبی و هم در محدودیت مذهبی و فرهنگی بر روی انسجام و شورش بیش از سایر جوامع بوده است.

ه) مرور نتایج به‌دست آمده نشانگر این موضوع است که سطوح یکسانی از تکثرگرایی فرهنگی در نواحی مختلف جغرافیایی با سطوح متفاوتی از شورش و انسجام همراه است، بنابراین نمی‌توان ادعا نمود که با یک اندازه مشخصی از

تکثرگرایی فرهنگی و یا با یک استراتژی تثبیت شده در یک جامعه، در جامعه دیگر نیز با همان استراتژی و همان اندازه مشخص از تکثرگرایی فرهنگی به نتایج مشابهی از کاهش شورش و افزایش نظم و انسجام رسید.

(و) با توجه به نتایج بدست آمده به نظر می‌رسد جوامعی که از محدودیت فرهنگی و مذهبی کمتری برخوردارند و اجازه اعتراض به اعضای خود را می‌دهند از میزان شورش در جامعه خود می‌کاهند و شرایط افزایش انسجام را فراهم می‌کنند و بالعکس. (ز) همانگونه که پیش‌تر اشاره گردید، پیش‌شرط وقوع اختلال نمادی در هر جامعه‌ای وجود تفاوت‌های فرهنگی و تنوع در عناصر سازنده فرهنگ هر جامعه است. جامعه ایران نیز با توجه به تنوع قومی، فرهنگی، زبانی و مذهبی که در جدول زیر نیز نشان داده شده است از شرایط بالقوه لازم برای اختلال نمادی و فروپاشی نظم و انسجام اجتماعی برخوردار است و بسیاری از اعتراضات و شورش‌های صورت گرفته نیز منشاء قومی، فرهنگی و حتی مذهبی داشته و دارد.

رتبه	تنوع مذهبی	تنوع زبانی	تنوع فرهنگی	تنوع قومی	
۴۴	۰/۱۱۵	۰/۷۴۶	۰/۵۴۲	۰/۶۶۹	ایران

Source: Encyclopedia Brit, CIA, Scarrit and Mozaffar Levinson, World Directory of Minorities, national census data, Fearon (2003)

بنابراین ضرورت دارد یک استراتژی مناسب برای مدیریت این تنوعات اتخاذ نماید به گونه‌ای که حایز بیشترین اصول و ارزش‌های مشترک در جامعه باشد. ایران در زمره کشورهای خاورمیانه قرار دارد که از کمترین میزان انسجام و بیشترین میزان محدودیت‌های مذهبی و فرهنگی برخوردار است. در چنین جوامعی حتی اتخاذ یک استراتژی کاملاً تکثرگرایانه در برخورد با تنوعات فرهنگی و مذهبی ممکن است حتی با نتایج ناخواسته‌ای همراه بوده و شرایط فروپاشی بیش از پیش انسجام را فراهم آورد. همچنان که چلبی (۱۳۸۲) نیز متذکر می‌شود برای کشورهای در حال توسعه نظیر [ایران] که در ابعاد چهارگانه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آسیب‌پذیر هستند، در وهله اول باید تأکید روی اشتراکات عقلی و عاطفی با مراجعه به اصول مشترک ابعاد انسانی، مذهبی و ملی در سطح جامعه باشد به طوری که هویت جامعه‌ای اکثریت آحاد جامعه در راس سایر هویت‌های جمعی آنها قرار گیرد و اکثریت افراد داوطلبانه

در سایه چتر مفاهمه فرهنگی بایستند.

همچنان که در شکل (۲) نشان داده شده وضعیت کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران نسبت به کشورهای دیگر توجه ویژه‌ای را می‌طلبد. چنانچه بر خلاف سایر کشورها در خاورمیانه و شاید ایران با افزایش محدودیت بر میزان انسجام افزوده شده است. اگرچه چلیبی (۱۳۸۲) نیز اذعان می‌کند که ممکن است با استراتژی یک‌شکلی یا محدودیت فرهنگی و مذهبی نوعی نظم در جامعه استوار گردد اما این نظم، نوعی نظم سیاسی و بیرونی که هرگاه امکان و شرایط فراهم بوده است منجر به شکل‌گیری خشونت و تضاد و انقلاب گشته است. بنابراین ضرورت دارد با مطالعه کامل استراتژی با سطح بهینه‌ای از محدودیت در ایران اتخاذ شود که منجر به نوعی مفاهمه درونی و کامل در جامعه گردد. همچنین در میان کشورهای خاورمیانه محدودیت مذهبی بیش از محدودیت فرهنگی و مذهبی اثرگذار بوده است. براین اساس ضرورت دارد نسبت به موضوع محدودیت‌های مذهبی بیشتر توجه شود امری که در سالیان اخیر دست‌آویز برخی از گروه‌های ناهمساز در ایران گردیده است.

در پایان بایستی به این نکته اشاره داشت که علیرغم تمامی این تفاوت‌ها و منحصر به فرد بودن شرایط جوامع در مدیریت تنوعات قومی و فرهنگی، جوامعی که از میزان بالاتری از تکثرگرایی فرهنگی برخوردار بوده‌اند، از میزان کمتری از شورش و میزان بالاتری از انسجام برخوردار بوده‌اند. همچنین امکان اعتراض می‌تواند به‌عنوان عاملی برای کاهش شورش‌ها و در نتیجه افزایش انسجام عمل نماید.

فهرست منابع

۱. امید، علی، (۱۳۸۷)، مقایسه مدل‌های ساختاری مدیریت مناطق جوامع متکثر قومی: درس‌هایی برای ایران، دو فصلنامه برنامه و بودجه، دوره ۱۳، شماره ۱۰۶
۲. تقی‌لو، فرامرز، (۱۳۸۶)، تنوع قومی و سیاست چند فرهنگی: بررسی موردی ایران معاصر، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۰، شماره ۱
۳. چلبی، مسعود، (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی نظم؛ تهران؛ نشرنی
۴. مارجر، مارتین، (۱۳۷۷)، سیاست قومی، ترجمه: افتخاری، اصغر، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱، شماره ۱
۵. یزدانی نسب، محمد، (۱۳۸۹)، رابطه سیاست‌های قومی دولت مرکزی و تضاد قومی بررسی تطبیقی کمی طی سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۹۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، گروه علوم اجتماعی
6. Alesina, A., R. Baqir, and W. Easterly, (1999), "Public Goods and Ethnic Divisions," Quarterly Journal of Economics, Vol.114, Issue 4, pp 1243-1284.
7. Cooperman Alan, Henne Peter, Kishi Katayoun, Schiller Anna, Cornibert Stefan S, (2016), Trends in Global Restrictions on Religion, www.pewresearch.org
8. Delanty, Gerard, (2009), Community. Key Ideas. Routledge, London
9. Dillard, Angela, (2001), Guess Who's Coming to Dinner Now? Multicultural Conservatism in America, New York: New York University Press
10. Easterly, W, and R. Levine, (1997), "Africa's Growth Tragedy: Policies and Ethnic Divisions," Quarterly Journal of Economics, Issue 4, Vol.112, pp 1203-1250
11. Fearon, J, and D. Laitin, (2003), "Ethnicity, Insurgency, and Civil War," American Political Science Review, Vol. 97, No. 1, pp. 75-90.
12. Fearon, J, and D. Laitin. (2003), Ethnic and Cultural Diversity by Country, Journal of Economic Growth, Vol. 8, No. 2, pp. 195-222

13. Fearon, J, and Gurr. Ted, (1993), Why Minorities Rebel: A Global Analysis of Communal Mobilization and Conflict since 1945, International Political Science Review , Vol. 14, No. 2, pp. 161-201.
14. Finke Roger, Harris Jaime, Martin Robert R, Montminy Sarah, (2011), Cross-National Socio-Economic and Religion Data, International Religious Freedom
15. Fox Jonathan, Religion and State dataset
<http://www.religionandstate.org>
16. Hartmann, Douglas and Joseph, Gerteis, (2005), "Dealing with Diversity: Mapping Multiculturalism in Sociological Terms" Sociological Theory, Vol.23, Issue 2, pp 218-240.
17. Hechter, Michael, (2004), From Class to Culture, The American Journal of Sociology, Vol. 110, No. 2 , pp. 400-445
18. Jepperson, Ronald L, (2002). Political Modernities: Disentangling Two Underlying Dimensions of Institutional Differentiation. Sociological Theory Vol. 20, No 1, pp. 61-85.
19. Kaufmann, D. Kraay, A. and Massimo Maastruzzi.(2006). 'Measuring Corruption:Myths and Realities',Development Outreach.
20. Kaufmann, D. Kraay, A. and Pablo Zoido-Lobaton.(1999). 'Governance Matters', Policy Working Paper 2196, Development Economics Group, World Bank.
21. Kymlicka, W, and He, Baogang, eds, (2005), Multiculturalism in Asia. Oxford: Oxford University Press.
22. Lambsdorff, J.G. (2007)."The Methodology of the Corruption Perceptions Index 2007",Transparency International
(http://www.transparency.lt/new/images/cpi2007_methodology.pdf).
23. Levinson, David, (1998), Ethnic Groups Worldwide:A Ready Reference Handbook, Greenwood.
24. Minorities at Risk, Codebook version 2/2009,center for international Development and Conflict Management.

mar.umd.edu/mar_data.asp

25. Mozaffar, S., and J. Scarrit. (1999), "The Specification of Ethnic Cleavages and Ethnopolitical Groups for the Analysis of Democratic Competition in Contemporary Africa", Nationalism and Ethnic Politics, vol 5, no1, pp 82-117.
26. O'Leary, Brendan , (2005), "Debating Consociational Politics: Normative and Explanatory Arguments." In From Power-Sharing to Democracy: Post-Conflict Institutions in Ethnically Divided Societies, (Ed.) S. J. R. Noel. (Toronto: McGill-Queens University Press), pp. 3-4
27. Reitz, J.G, Breton, R, Dion, K.K, Dion, K.L, (2009), Multiculturalism and Social Cohesion Potentials and Challenges of Diversity, Publisher: Springer
28. Sambanis, Nicholas, (2000), Partition as a Solution to Ethnic War: An Empirical Critique of the Theoretical Literature, World Politics, Vol. 52, No 4, pp. 437-483
29. Singh, Ajay Kumar, (1997). 'Jharkhand Movement: Assertion of Socio-cultural Identity and the Demand for a Separate State', in Rasheeduddin Khan (ed.), Rethinking Indian Federalism (Shimla: Inter-University Centre for Humanities and Social Sciences), 241-52.
30. Smith, Anthony, (1996), Culture community and territory : the politics of ethnicity and Nationalism. International Affairs, Vol. 72, No 3, pp. 445-458.
31. Tilly, Charles, (2003), Priorities for Research on Conflict in Multiethnic Country. In Conflict and Reconstruction in Multiethnic Societies, Proceedings of a Russian-American Workshop, Washington, National Academies Press.
32. Wimmer, Andreas (2008), The Making and Unmaking of Ethnic Boundaries: A Multilevel Process Theory, American Journal of sociology, Vol. 113, No 4, pp. 970-1022

الگوهای مدیریت تنوعات فرهنگی و مذهبی و رابطه آن با شورش و انسجام.....

33. www.cidcm.umd.edu/mar

34. www.indsocdev.org